

فرهنگ، سیاست و تولید علم

● دکتر جواد منصوری*

چکیده

انسان تنها موجودی است که به علت برخورداری از عقل، قدرت تفکر، استنتاج، کشف و نوآوری می‌تواند برای شناخت خود، جهان، جامعه و برقراری روابط با آنها تلاش و موفقیت‌هایی به دست آورد. از طرف دیگر لازمه غلبه بر دشمن برخورداری از سلاح علم، تفکر، تدبیر و محاسبه است.

هر جامعه که از فرهنگ علمی و پشتیبانی حاکمیت از علم و پژوهش برخوردار باشد، زمینه‌های جهش و ارتقاء وضعیت را دارد و در صورتی که با ایمان به خدا و ارزشهای الهی پیوند داشته باشد، می‌تواند در جهت انسانی و ارزشهای متعالی و ارتقاء کیفی زندگی حرکت کند.

لازمه هرگونه توسعه و پیشرفتی تحول در عقاید، فرهنگ عمومی و معیارهای مبتنی بر تولید علم و نظریه‌پردازی می‌باشد. جنبش نرم‌افزاری در واقع حاصل رواج تفکر علم‌مداری، شایسته‌سالاری و حاکمیت قانون و ارزشها است. از این رو عقلانیت، برنامه‌ریزی، نظم و امنیت، از لوازم تحقق چنین حرکتی می‌باشد.

نظام آموزشی و محتوای دروس، جهت‌گیری‌ها و سیاستهای اداری و فرهنگ عمومی بالاترین و مهمترین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری را بر جریان تولید علم، جایگاه عالم و محقق، در نتیجه تحولات مثبت یا منفی جامعه و حکومت دارند. لذا شناخت ابعاد مثبت و منفی و چگونگی برخورد و اصلاح نظام آموزشی اجتناب‌ناپذیر است.

*. استاد دانشگاه و مشاور وزیر امور خارجه



مقدمه

در جهان آفرینش انسان موجودی منحصر به فرد است که از جمله ویژگی‌های او کمال‌جویی، ارتقایی و رشد و پویایی است.

از این رو برای حرکت در مسیر خواسته ذاتی، طبیعی، فطری خود بهره‌گیری از عقل، تفکر، تعقل و تدبیر را اجتناب‌ناپذیر، و بهره‌گیری از علم، آگاهی، تحقیق و پژوهش لازمه این حرکت، و نوآوری، کشف و اختراع را نتیجه، و ارتقاء وضعیت خود را هدف قرار داده است.

از سوی دیگر برای غلبه بر طبیعت و مقابله با تعارضات انسانی - اجتماعی نیازمند شناخت کلیه تهدیدات و موانعی است که، حرکت او را به سمت هدف کند یا متوقف می‌کند. از اینرو دشمن‌شناسی اعم از دشمنان موجودیت و سلامت او و یا دشمنان موقعیت و منافع و مصالح او ایجاب می‌کند هر چه بیشتر به سلاح علم و آگاهی، ابزارها و کاربردهای آنها مسلط و مجهز شود. لذا هر چه انسان دشمنان خود را بهتر بشناسد، و راه‌های مقابله با آنها را به خوبی بیاموزد و ابزارهای لازم فراهم نماید و آنها را در بهینه‌ترین شیوه به کار گیرد، به همان نسبت به دوام موجودیت، قوت و قدرت، هویت و حیثیت و بالاخره ارتقاء وضعیت خود می‌رسد.

و این است معنای آیه قرآن کریم که فرمود: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ»^۱ «مگر کسانی که می‌دانند و نمی‌دانند - نه در بودن و نه در چگونه بودن خود - برابر نیستند، زیرا درک تمامی ابعاد و صحنه‌های حیات بشری و برخورد سنجیده و هدفدار، نیازمند شناخت عمیق و داشتن تحلیل دقیق از روند قضایا و آثار و تبعات آنهاست. این اصل بسیار مهم را فقط اندیشمندان و خردمندان متوجه می‌شدند.

از ویژگی‌های جهان‌بینی اسلام واقع‌بینی و درک قوانین حاکم بر جهان و جوامع است، و لذا «علم مدار»، «عقل‌گرا» و «تفکر بنیاد» و دشمن «تحجر»، «تبعیت کورکورانه» و «تصلب در شکل و قالبها» است.

با مطالعه اجمالی تاریخ تمدن‌ها، ظهور و افول آنها، مشخص می‌شود که دو عامل بیش از عوامل دیگر تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز بوده است. اول موقعیت و ارزش علم،



عالم، تعلیم و تحقیق و در نتیجه نوآوری، ابداع و بالاخره قدرت ناشی از آن، و عامل دوم که بی‌ارتباط با آن نیست، ایمان، اخلاق و جهان‌بینی حاکم می‌باشد. لذا دو بال علم و ایمان در دراز مدت تعیین‌کننده وضعیت و چگونگی حرکت صعودی یا نزولی تمدنها، دولتها، انقلابها و نظامهای سیاسی - اجتماعی بوده است.

هیچ تحول مثبت، سازنده و بنیادی در جهت ارتقاء و کمال انسان (تأکید بر ارتقاء و کمال نه توسعه به معنای متعارف، که نیازمند تحقیق مستقلی است) شکل نمی‌گیرد و ریشه‌دار نمی‌شود، مگر اینکه جریان عمومی و ارزش‌گذاری فردی و اجتماعی، برنامه‌ریزی‌ها، قانونگذاری‌ها و سیاستگذاری بر مبنای علم و تحقیق و با تکیه بر نوآوری‌ها، تولید علم و یافته‌های جدید باشد.

امام خمینی(ره) در وصیتنامه سیاسی - الهی خود در این زمینه چنین می‌گوید:

«... بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد، و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصاد، همانها که از ساختن هر چیز خود را عاجز می‌دیدند، و از راه انداختن کارخانه‌ها آنان را مأیوس می‌نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه‌ها را خود رفع نمودند، و این جنگ و تحریم اقتصادی و اخراج کارشناسان خارجی، تحفه‌ای الهی بود که، از آن غافل بودیم. اکنون اگر دولت و ارتش کالاهای جهانخواران را خود تحریم کنند، و به کوشش و سعی در راه ابتکار بیفزایند، امید است که کشور خودکفا شود، و از دریوزگی دشمن نجات یابد.»^۲

تولید علم

اصطلاح تولید علم گفتمان جدید و متناسب با تحولات اخیر در صحنه جامعه بشری است. زیرا در گذشته روند تدریجی افزایش و گسترش دامنه علوم به اندازه‌ای کند بود که مقوله تولید علم^۳ چندان مفهوم و اعتباری نداشت. اما در سه قرن اخیر، علم بیش از گذشته در شکل‌گیری قدرت، ثروت، رفاه و بالاخره تحولات گوناگون فرهنگی و



اجتماعی ایفای نقش کرده است. به گونه‌ای که علم به صورت مستقل یکی از فاکتورها و عوامل تأثیرگذار در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و یکی از مقولات محوری در اقتدار ملی و استقلال، تولید، رفاه، امنیت و دفاع شده است به گونه‌ای که از جمله شاخص‌ها و معیارهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و موقعیت، اعتبار و جایگاه بین‌المللی هر کشور میزان تولید علم، نوآوری و نظریه‌پردازی و مطرح بودن در صحنه‌های علمی، پژوهشی و اختراعات و میزان سرمایه‌گذاری ملی در این زمینه می‌باشد.^۴

«در عصر دودکشها (اشاره به انقلاب صنعتی) فرض بر این بود که کارگران و کارمندان چندان چیز مهمی نمی‌دانند و اطلاعات مربوطه یا هوش را تنها می‌توان از مدیریت بالا یا شمار اندکی از کارکنان دریافت کرد، نسبت نیروی کاری که به کارپردازش دانایی اشتغال داشت بسیار کم بود.»

به عکس، امروزه ما می‌بینیم که هدف بیشتر آنچه در درون بنگاه (مؤسسه) اتفاق می‌افتد، تازه کردن و از نو پر کردن مخازن دائماً در حال زوال دانایی (نوآوری) و خلق دانش تازه (تولید علم) برای افزودن بر آن، و ارتقای داده‌های ساده به اطلاعات و دانایی است.

«کارکنان برای دستیابی به این هدف همواره به کار «واردات» و «صادرات» و «انتقال» داده و اطلاعات مشغولند... در جهان فردا وقتی قدر و ارزش منابع دانایی به عنوان مهمترین منبع شناخته شد، دادن پاداش و تشویق کارکنان، یا حداقل بخشی از آن، براساس موفقیت هر فرد در افزودن ارزش به ذخایر دانایی شرکت صورت خواهد گرفت. به نوبه خود می‌توان انتظار داشت که برای کنترل دارایی‌هایی که ماهیت اطلاعاتی دارند و فرایندهایی که آنها را به وجود می‌آورند، منازعاتی حتی پیشرفته و متعالی‌تر درگیرد.»^۵

اقتصاددانان معمولاً عوامل تولید را به طبیعی و انسانی تقسیم می‌کنند و برای کار انسان نقش اصلی قائلند، و جامعه‌شناسان نیز اساس تحولات اجتماعی را انسان و توانایی‌های او می‌دانند. در واقع آگاهی انسان محور و اصل در تحول می‌باشد، زیرا



عوامل طبیعی مانند آب، زمین، منابع زیرزمینی و... تماماً در اختیار. در تصرف انسان است تا براساس علم و اراده و هدفی که انتخاب کرده است، آنها را به کار گیرد.^۶

قرآن کریم در آیات متعددی به این واقعیت اشاره و از جمله می‌فرماید: «و هو الذی سخر البحر لتأکلوا منه لحماً طریاً و تستخرجوا حلیه تلبسونها و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون»^۷

«خداوند دریا را در تصرف شما قرار داد برای اینکه از گوشتش بخورید و از آن زیورهای زیبا برای اینکه بر خود بپوشانید بدست آورید، و کشتی‌ها را بر روی آن به حرکت درآورید و در مسافرت و تجارت از امکانی که خداوند برای شما فراهم کرده بهره‌گیرید و با درک این جریان شما به خوبی عمل کنید».

متأسفانه در حال حاضر بسیاری از مسلمانان مصرف‌کننده و تماشاگر تولیدات علمی، نظریه‌پردازی‌ها و نوآوری‌های دیگران نه تنها در علوم مادی و طبیعی بلکه در علوم انسانی و اجتماعی، که خودشان روزی تغذیه‌کنندگان علمی جهان و غلبه‌کنندگان بر تمامی نظام‌های فرهنگی، حکومتی و دینی بوده‌اند، به عبارت دیگر عمل‌کنندگان و تلاشگران در راه اجرای فرامین قرآن نمی‌باشند.

نتیجهٔ چنین وضعیتی وابستگی شدید اقتصادی - صنعتی، سلطه‌پذیری سیاسی - فرهنگی، انزوای علمی و مشکلات اداری - اجتماعی در دو قرن اخیر بوده است، معیارها و شیوه‌های زندگی و آنچه که معروف به توان غرب سرمایه‌داری است، به صورت وارداتی و تحمیلی در جهان اسلام حاکمیت دارد!

در ادامهٔ این وضعیت در سالهای اخیر نظریهٔ «انتقال تکنولوژی» مطرح شده و بحث‌های زیادی را برانگیخته، که در واقع یکی از ضرخ‌های فریب و بازدارنده است. هدف واقعی از این نظریه ادامهٔ سلطهٔ اقتصادی و تحمیل وابستگی، به کشورهای واردکننده است. در حقیقت تا زمانی که زمینه‌های ظهور و بروز خلاقیت‌های فکری، تولید علم، تحقیق و پژوهش به وجود نیاید، هرچه که وارد شود، مصرفی و موقتی و تحمیلی خواهد بود و کمکی به رشد و ارتقاء کمی و کیفی سطح زندگی مادی و معنوی آنان نخواهد کرد. آخرین و پیچیده‌ترین تکنیک که در اختیار کشوری قرار می‌گیرد، با گذشت زمان ارزش خود را از دست می‌دهد و غیراقتصادی و در مواردی غیرقابل توجیه و



زیان آور می‌شود. در نتیجه تکنیک و ابزار جدیدتری مورد نیاز است، و این جریان و وابستگی ناشی از آن همچنان ادامه دارد! مگر آنکه مدیریت و برنامه‌ریزی قوی و علمی بتواند رشد و توسعه همان تکنولوژی و فن‌آوری را در زمینه‌های مختلف گسترش و بهره‌گیری از آن را برای ابزارهای پیشرفته‌تر و کارآمدتر پی‌گیری کند.

در زمینه علوم انسانی و اجتماعی نیز مشابه چنین وضعیتی دیده می‌شود. زمانی نظریه‌ای را ارائه و تمامی رویکردها و جهت‌گیری را شکل می‌دهند و چندی بعد نظریه‌ای جدید و باطل‌کننده نظریه قبل عرضه و به کشورهای دیگر صادر می‌شود! آنچه در طول دو قرن گذشته شاهد بوده‌ایم ظهور نظریه‌های متنوع همراه با مدهای رنگارنگ در هر زمینه از اروپا و آمریکا، مانند انواع خوردنیها و پوشیدنی‌ها صادر و صدور آنها به عنوان بهترین، عالی‌ترین و مناسب‌ترین ایده و کالا و مصرف آنها در کشورهای تحت سلطه بوده است.

«شرکت‌های جهانی» انتقال تکنولوژی» به کشورهای فقیر را، موکول به شرایطی می‌کنند که خود موجب مشکلاتی برای این کشورها می‌شود. بررسی ۴۰۹ قرارداد مربوط به انتقال تکنولوژی بین شرکت‌های جهانی و شرکت‌های وابسته در اکوادور، بولیوی،... نشان می‌دهد که تقریباً ۸۰ درصد این قراردادها استفاده از تکنولوژی انتقال یافته برای صادرات را به کلی ممنوع می‌کند».^۸

امام علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود: «لیس الخیران تكثر مالک و ولدک و لکن الخیران تكثر علمک و ان یعظم حلمک»^۹ (خیر و خوشایند بودن این نیست که ثروت و فرزند را زیاد کنی، بلکه مطلوب‌تر و خوشایندتر این است که بر علمت بیافزایی و حلمت را زیاد کنی.)

در این کلام، خیر در علم و بردباری خلاصه شده و نظیر چنین بیانی در آیات متعددی از قرآن کریم از جمله «ربّ زدنی علماً»^{۱۰} نیز مطرح شده است. زیرا که نادانی و ضعف مقدمه اسارت است. این برداشت از «خیر» در تعارض آشکار با برداشتهای مادی جوامع غربگرا و استعمارزده می‌باشد. زیرا در این جوامع علم به صورت ابزاری برای سلطه، نه وسیله‌ای برای ارتقاء، رشد و هدایت آنان است.



تفکر و تولید علم

آموختن و انباشت و تکرار مکرر علم، ثمرات و آثار محدودی دارد، زیرا در این حالت دانسته‌های قبلی به دیگران منتقل شده بدون آنکه توجهی به تحولات و دگرگونی‌های عینی و بیرونی شده باشد. به عبارت دیگر همچنانکه شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و حتی اوضاع طبیعی و آب و هوایی دچار تحول و دست خوش تغییر می‌شوند و همانطور که مطالب جدیدی از جهان کشف می‌شود، شایسته است که مطالعه مستمر و دائمی، کشف علل و عوامل، درک آثار و پی‌آمدهای آن برای هر یک از محققین و دانش پژوهان رشته‌های مختلف علوم به صورت ارزش و قابل ستایش و مورد تشویق باشد.

تفکر و تعقل و تدبر سه واژه تقریباً مشابه و مترادفی هستند که از ویژگی‌های اختصاصی انسان و دقیقاً در راستای هدف کمال‌طلبی و برای ارتقای وضعیت زندگی به او هدیه شده است.

هرگونه استدلال و فهم ریشه‌ها و علل وقوع پدیده‌ها، کشف راه‌حل معضلات و مشکلات و شکستن بن‌بست‌ها تابعی از تفکر و تعقل و به کار گرفتن قدرت فکر و عقل می‌باشد. بازشناسی و باز تعریف پدیده‌های جدید، راهیابی و خروج از وضعیت نامطلوب و حرکت به سمت وضعیت مطلوب، تبیین و تحلیل واقعیت‌ها و به ویژه آینده‌نگری و پیش‌گیری از روندهای خطرناک و تهدیدآفرین، نیازمند شناخت دقیق قوانین حاکم بر جامعه و جهان و شناخت روندهای اجتماعی است. رسیدن به چنین شناختی و ارائه راهکارهای شایسته نیازمند تفکر و تعقل و تدبر است.^{۱۱}

از جمله بحث‌های اساسی در زمینه درک و شناخت واقعیت‌ها، هدایت و رشد و از جمله توسعه اقتصادی - اجتماعی، نقش تفکر و تحقیق می‌باشد. در قرآن کریم ده‌ها آیه و همچنین روایات زیادی، در ضرورت و امر به تفکر، تعقل و تدبر وجود دارد که، اگر مسلمانان به مقتضای آنها عمل می‌کردند، قطعاً پیشرفته‌ترین علوم و جوامع بشری از آنان بود. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱ - «و يجعل الرجس علی الذین لا یعقلون»^{۱۲}

(خداوند پلیدی و تنگی را برای کسانی که تعقل نمی‌کنند و عقلانیت ندارند قرار داده

است.)



۲- «... و يتفكرون في خلق السموات و الارض، ربنا ما خلقت هذا باطلا»^{۱۲}

(از جمله علائم مؤمنین اینست که در خلقت آسمانها و زمین تفکر می‌کنند و اعتراف می‌کنند که خدایا این جهان را بی‌هدف و بیهوده خلق نکردی. جهان طبق طرح و قانون و هدفدار خلق شده است)

۳- امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لوددت ان اصحابي ضربت رؤوسهم بالسياط حتى يتفقها»^{۱۳}

مسلماً دوست دارم که با تازیانه بر سر یارانم بکوبند تا به خوبی و عمیقاً پیام‌آموزند. ملتی که مصرف‌کننده تفکرات، تحقیقات، دستاوردهای علمی و فکری دیگران باشند و از خود آفرینش، خودجوشی، تولید و خلاقیت نداشته باشد، و منتظر است تا دیگران چه می‌گویند و چه می‌خواهند، چنین ملتی هیچ آینده‌ای جز اسارت و عقب‌ماندگی و ذلت ندارد.

هنگامی که عقل و علم حاکم نباشد و اداره امور و برنامه‌ریزی‌ها با احساس کور، تعصب و بدون محاسبه همراه شود، پیشرفت و ارتقاء و وضعیت نخواهد بود بر پایه چنین برداشتی، تفکر، تعقل و تحقیق و پژوهش باید آنچنان گسترده و حاکم باشد که کلیه امور بر مبنای استدلال محاسبه، برنامه و علت‌یابی و آینده‌نگری شکل گیرد و به اجرا درآید و از لوازم و ضرورت‌های اولیه و بنیادی حرکت فردی و جمعی به سمت اهداف تعیین شده باشد.

«یکی از شیوه‌های تمایز میان جهان صنعتی و جهان سوم که، اولی محاسبه و بهره‌برداری علمی از آن را در تمامی شؤون زندگی اعمال کرده و دیگری در آن به درجات مختلف ضعیف است، و جهان صنعتی از طریق «نهاده‌ها» کردن محاسبه» بر جهان سوم مسلط شده است. هنگامی که محاسبه اصالت یافت، به طور منطقی متد و روش اصالت می‌یابد... بنابراین ذهن محاسبه‌گر یک ذهن متدیک و روش‌شناس است... محاسبه روش، کاربرد، افزایش تولید (و در نتیجه قدرت) و تسلط سیاسی همه با تسلسل منطقی به دنبال هم (و تشدیدکننده یکدیگر) قرار گرفتند»^{۱۵}.

فرهنگ و تولید علم

فرهنگ عصاره زندگی اجتماعی است و در تمامی افکار، اهداف، معیارها و



ارزش‌گذاری‌ها، فعالیت‌های فردی و اجتماعی انسان منعکس می‌شود. براساس این تعریف انسان با اتکای به فرهنگ، با جهان و جامعه برخورد می‌کند.

بنابراین چگونگی تفسیر قضایای جهان، راههای تغییر شرایط در جهت اهداف، بستگی به دیدگاه‌های فرهنگی دارد. انسان و فرهنگ در یکدیگر تأثیر متقابل دارند. اوضاع و شرایط تا حدود زیادی معلول عوامل فرهنگی و از طرف دیگر، دگرگونی‌های فکری و فرهنگی تابعی از شرایط اجتماعی و مادی است.

جنبه‌های مادی فرهنگ سریعتر منتقل و جوامع را تحت تأثیر سخت‌افزاری قرار می‌دهد. اما این انتقال برای تأثیر بر تمامی ابعاد فرهنگی کافی نیست. افکار، عقاید، معیارها و تمایلات در کوتاه مدت دگرگون نمی‌شوند. این فاصله زمانی میان تحولات سخت‌افزاری و دگرگونی‌های فرهنگی و نرم‌افزاری را «عقب‌ماندگی فرهنگی» می‌گویند. بسیاری از کشورها (از جمله شیخ‌نشینهای حاشیه خلیج فارس) در کنار ابتدایی‌ترین شکل زندگی فرهنگی، از آخرین وسایل پیشرفته الکترونیکی و ساختمان‌های بسیار مجهز و گران استفاده می‌کنند. آنها در حالی مصرف‌کننده آخرین دست‌آوردهای مادی و صنعتی دیگران می‌باشند که دارای فرهنگ کاملاً متفاوتی با جامعه و فرهنگ تولیدکنندگان کالاهای مزبور می‌باشد.

با توسعه و شتاب گرفتن ارتباطات و افزایش مبادلات، ضعباً نقش و قلمرو فرهنگ و ابعاد آن گسترده و تأثیرگذاری آن سریع و عده‌ای می‌خواهند به تدریج پدیده‌ای جهانی شود. وضعیت حال و آینده به گونه‌ای است که در بسیاری از تحولات فرهنگ تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز شده است.

اگر در گذشته نظریات و رویکردهایی مبنی بر روبنا بودن فرهنگ و تأثیرپذیری از جنبه‌ها و ابعاد دیگر اجتماعی وجود داشت، رویکرد امروز توجه ویژه به نقش، اهمیت و قلمرو فرهنگ و قدرت تولید علم و چگونگی تأثیرگذاری و نفوذ در ساختار حکومتها و تأثیرپذیری و نیازهای آن می‌باشد.

فرهنگ و قدرت تولید علم به عاملی بین‌المللی تبدیل شد که، در تحولات مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش می‌کند، و در کشورهای صنعتی به عنوان یکی از بزرگترین زمینه‌های رشد و توسعه و عامل تداوم و گسترش سلطه می‌باشد.^{۱۶}

فرهنگ عمومی در عرصه‌های علوم و تکنولوژی، ارتباطات و سیاست مطرح و نفوذ



خود را نشان می‌دهد. سرمایه‌گذاری کمپانی‌های نفتی در زمینه فرهنگ و تلویزیونهای جهانی، مراکز علمی و پژوهشی، دانشگاه‌ها و مطبوعات، تولید وسایل و ابزارهای علمی و تحقیقاتی و به کارگیری آنها در بسیاری از زمینه‌های آموزشی، فرهنگی و تربیتی، جهت تقویت و گسترش فرهنگ علمی، نشانه‌ای از نقش فرهنگ عمومی در رسیدن به اهداف سیاسی و اقتصادی است.

ویژگی‌های فرهنگ علمی

تولید علم و فرهنگ علمی ارتباط مستقیم با فرهنگ عمومی، دیدگاه‌ها و سیاست‌های حاکمیت دارد. فرهنگ علمی زمانی به صورت یک جریان عمومی و ملی در می‌آید، که برای مردم و یا لاقلاً اکثریت آنان قابل فهم و مورد قبول قرار گرفته باشد. مهمترین ویژگی‌های فرهنگ علمی عبارتست از:

۱- ارزش بودن تفکر علمی

تفکر علمی، داشتن توان درک پدیده‌های پیچیده، کشف روابط، قانونمندی‌ها و فرایندها است. شخصی که توان و تأمل تفکر لازم برای شناخت پدیده‌ها، فرایندها و سلسله علل و معلولها را نداشته باشد، قادر نیست که نظم علمی یا تئوریک را کشف و تولید علم یا نظریه‌پردازی کند. وجود افراد زیادی که چنین توانایی و همتی دارند، جامه را قادر می‌سازد که به تدریج با اختراعات، نوآوری و ابتکار، پیشرفت و توسعه را شتاب دهند.

امام صادق(ع) فرمود: «انما يهلك الناس لانهم لايسألون».^{۱۷}

(مردم از این جهت رو به تباهی و سقوط می‌روند که تحقیق، کنجکاری و پرسشگری ندارند.)

امام علی(ع) فرمود: «تفكر يفيدك الاستبصار و يكسبك الاعتبار».^{۱۸}

«تفکر تو تولید کننده شناخت و بینش و اعتبار دهنده به تو است».

۲- قدرت علمی

تقویت توان علمی و نوآوری نیازمند قدرت فکری و کشف پدیده‌ها و موضوعات جدید است. پژوهشگری که می‌خواهد افقهای جدید و نظریه‌های دقیق ارائه کند، لزوماً باید کار



نظری و تئوریک بکند. و عالمی که صاحب بینش باشد می‌تواند در مسیر ایجاد قالبها و چهارچوبهای نظری قدم بگذارد، و از درون آنها به طرف شناختهایی پیچیده حرکت کند. زیرا تولید علم، نظریه‌پردازی و نوآوری به عنوان مخرج مشترک تمامی علوم به ویژه علوم انسانی می‌باشد. کسانی که در علوم انسانی توانسته‌اند تغییر و تحولی به وجود آورند، دارای پشتوانه نظری و فکری قوی و عمیق بوده‌اند.

امام خمینی (ره) عنایت ویژه‌ای به تحقیق، تتبع، نوآوری داشت و با وجود موقعیت و شرایط ویژه کشور، در وصیتنامه خود، با درک و اهمیت موضوع و با هوشیاری قابل ستایشی نوشت:

«لازم است علما و مدرسین محترم نگذارند در درسهایی که مربوط است، و حوزه‌های فقهی و اصولی از طریقه مشایخ معظم - که تنها راه برای حفظ فقه اسلامی و فقاہت است منحرف شوند.

و کوشش نمایند که هر روز به دقتها و بحث و نظرها و ابتکار و تحقیق افزوده شود، و فقه سنتی که ارث سلف صالح است و انحراف از آن سست شدن ارکان تحقیق و تدفین است محفوظ بماند و تحقیقات بر تحقیقات اضافه گردد، و البته در رشته‌های دیگر علوم، به مناسبت احتیاجات کشور و اسلام برنامه‌های تهیه خواهد شد و رجالی در آن رشته تربیت باید بشود».

مجموعه آثار آیت‌الله العظمی
مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳- توان تولید فکر و نظریه

پژوهشگر و دانش پژوه توانا و موفق کسی است که بتواند معلومات و مشاهدات خود را جمع‌بندی و با استدلال، استنتاج جدید به دست آورد. چنین فرهنگ و روحیه‌ای از مشاهدات و تفکرات خود ترکیب و تحلیل جدیدی ارائه می‌کند توان قیاس و استقراء دارد. تربیت چنین افرادی نیازمند تلاش ویژه و نظام آموزشی خلاق می‌باشد.

۴- شخصیت علمی

پژوهشگر و عالم موفق کسی است که اعتماد به نفس و پشتوانه شخصیتی و علمی او را نیرومند و مقاوم کرده، به گونه‌ای که به فرهنگ مخالفت و فرهنگ موافقت مجهز و از



چگونگی برخورد با اندیشه و آزادی اندیشه، نگرانی ندارد و به این جریان آگاه و معتقد است.

شخصیت علمی جدای از کار علمی و تحقیقی نیست، و پژوهشگری که از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند معمولاً تفکر و توان و قدرت تولید علمی بیشتری دارند. چنین شخصیتی تواضع و فروتنی اخلاقی و علمی را جزیی از شخصیت خود می‌داند، و خود را و نظراتش را مطلق نمی‌کند و به آنها فخر فروشی و تکبر نمی‌کند. همراهی علم و اخلاق صرفاً جنبه تزئینی و نمایشی، فردی و جزیی ندارد، بلکه ضرورت و شایستگی ایجاب می‌کند که برای ارتقاء علمی، نقد پذیری، جامعه‌گرایی، جمع نظرات، دوری از خصلت‌های تکبر، فردگرایی و استبداد رأی، اخلاق و فرهنگ عمومی و گفتمان غالب بشود.

«آن روز که سهم «آزادی»، سهم «اخلاق» و سهم «منطق» همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و فرهنگی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است، و کلید جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.»^{۲۰}

نظام آموزشی

آموزش مؤثرترین عامل شکل دادن به شخصیت و هویت افراد و جامعه در دراز مدت می‌باشد. رویکرد کشورهای پیشرفته نسبت به آموزش با وجود سرمایه‌گذاری زیادی که در دو قرن گذشته داشته‌اند این است که، برای حفظ برتری و پیروزی در رقابت و تداوم حیثیت و اعتبار سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی، توجه ویژه به نظام آموزشی و دستگاه‌های مرتبط با آن ضروری است. زیرا آموزش در تمامی بخش‌های کشور در میان مدت و دراز مدت تأثیرگذار و شکل دهنده است. از اینرو برای ریشه‌یابی هر گونه مشکلی غالباً نظام آموزشی مورد نقد قرار می‌گیرد.

تجربیات چهار قرن پس از انقلاب صنعتی، اندیشمندان را به این نتیجه رسانده که توسعه در افزایش سرمایه، تکنولوژی، سطح درآمد و صادرات و صنعت خلاصه نمی‌شود، بلکه مهمترین رکن توسعه، مردم با فرهنگ عمومی و فرهنگ علمی شایسته می‌باشد. جنبش نرم‌افزاری و جهش علمی نیازمند افرادی مقاوم، سختکوش، پی‌گیر و



متفکر می‌باشد تربیت چنین افرادی نیازمند قویترین و کارآمدترین نظام آموزشی است. بنابراین نباید انتظار داشت که بدون تعلیم و تربیت و تحمل مدت زمانی نسبتاً طولانی - شاید به عمر یک نسل - جامعه‌ای متحول و در جهت بهبود و تکامل شکل گیرد. نظام آموزشی کشور در حال حاضر متأسفانه ضعفها و نقصهای متعددی دارد که اصلاح و تغییر این وضعیت برای ایجاد تحول عمومی و ارتقاء کیفیت جامعه و حکومت اجتناب‌ناپذیر است، که در این نوشته به اختصار اشاره می‌شود. اما اهمیت موضوع به حدی است که یک حرکت عمومی و جدی را می‌طلبد.

۱ - جهت‌گیری ناهماهنگ

بررسی کتابها و شیوه‌های رایج در نظام آموزشی حاکی از آن است که حاصل و نتیجه آن در خدمت اجتماعی و حکومتی عرفی، دنیایی، مادی، فردگرا و از لحاظ محتوایی ضعیف، سطحی و تا حدودی متأخر از شرایط زمان می‌باشد. طبعاً تداوم چنین وضعیتی معضلات پیچیده‌ای را برای نظام جمهوری اسلامی تولید می‌کند.^{۲۱}

۲ - مدرک زدگی

نظام اداری کشور به گونه‌ای ضراحی و اجرا شده است که عملاً مدرک ملاک شایستگی، صلاحیت، لیاقت و خلاصه معیار ارزش گذاری شده است. این سیاست به اندازه‌ای نافذ و گسترده می‌باشد که ورود به دانشگاه و داشتن مدرک دانشگاهی نشانه‌ی ادامه‌ی زندگی آبرومندانه و با ارزش است!

۳ - تک بعدی

اگر تخصصی شدن امور ایجاد می‌کند هر فرد در زمینه‌ای خاص تحقیق و مطالعه نماید، اما یکپارچگی و چند بعدی بودن انسان، جامعه و حکومت، نیازمند دیدگاه فراگیر و چند بعدی است. علوم انسانی بدون شناخت انسان! علوم مادی بدون شناخت توحید! علوم اجتماعی بدون شناخت سنن الهی! بخشی از نارسایی‌ها و نواقص و در نتیجه انحرافی و ناکارآمدی و حتی غیر علمی بودن نظام آموزشی فعلی است.



۴- ترجمه‌ای و تقلیدی

انتقال دانش، تجربیات و دستاوردهای علمی از طریق ترجمه متون و اسناد جریان رایجی در دنیا بوده و می‌باشد. اما جریان ترجمه نباید عامل کپی کردن، تقلید، تکرار و پذیرش بی‌قید و شرط مباحث و مواضع دیگران بشود. ترکیب ترجمه و تقلید آثار زیانباری در حرکت علمی جوامع واردکننده و از جمله ایران داشته است. زیرا ترجمه آثار غرب در قرن اخیر غالباً توسط افراد مجذوب و یا افراد مشکوک به وابستگی انجام شده است.

این قسمت را با کلامی از امام (ره) به پایان می‌بریم که در وصیت‌نامه تاریخی خود نوشت:

«اگر مجلس و دولت و قوه قضائیه و سایر ارگانها از دانشگاه‌های اسلامی و ملی سرچشمه می‌گرفت، ملت ما امروز گرفتار مشکلات خانه‌برانداز نبود، و اگر شخصیت‌های پاکدامن با گرایش اسلامی و ملی به معنای صحیحش - نه آنچه امروز در مقابل اسلام عرض اندام می‌کند - از دانشگاه‌ها به مراکز قوای سه‌گانه راه می‌یافت، امروزه ما غیر امروز، و میهن ما غیر این میهن و محرومان ما از قید محرومیت رها، و بساط ظلم و ستمشاهی و مراکز فحشا و اعتیاد و عشرتکده‌ها - که هر یک برای تباد نمودن نسل جوان فعال ارزنده کافی بود - در هم پیچیده و این ارث کشور بر باد ده و انسان برانداز به ملت نرسیده بود، و دانشگاه‌ها اگر اسلامی انسانی ملی بود می‌توانست صدها و هزارها مدرس به جامعه تحویل دهد».^{۲۲}

بنابراین باز تعریف، بازسازی و بازنگری در نظام آموزشی کشور برای جنبش نرم‌افزاری و فرهنگی - علمی و تحول عمیق فرهنگی و ارزشی، ضرورتی انکارناپذیر دارد که امید است مسئولین و مردم در یک حرکت جمعی، هماهنگ، مستمر و جدی آن را آغاز و به سرانجام برسانند.

رسالت دانش پژوهان

دانش‌پژوهان، مشتاقان علم و تحقیق، علمای متعهد و مسئول ضمن آنکه عاشق



علم آموزی و تولید علم و نظریه پردازی می باشند، باید همچون شمعی بسوزند و اطراف خود را روشن و جهالتها را بسوزانند.

رسالت علما و محققین در دو بعد تداوم تحقیق - نوآوری و تلاش در آموزش است، زیرا که به فرموده امام علی علیه السلام:

«تعلموا العلم، فان تعلمه حسنه و مدارسته تسبیح، والبحث عنه جهاد، و تعلیمه لمن لا یعلمه صدقه و هوانیس فی الوحشه، و صاحب فی الوحده و سلاح علی الاعداء و زین الاخلاء یرفع الله به اقواماً یجعلهم فی الخیر ائمه یقتدی بهم. لان العلم حیاة القلوب، و قوة الابدان من الضعف... بالعلم یتاع الله و یعبده...»^{۲۳}

دانش را فراگیرند، زیرا آموختن آن حسنه و تمرین و گفتگوی علمی عبادت و تحقیق علمی جهاد و آموزش آن به کسی که نمی داند صدقه است. علم در تنهایی همراهِ و مونس انسان و ابزار علیه دشمنان و زینت در میان دوستان، خداوند اقوامی را با علم بالا برد که دیگران به آنان اقتدا کردند. زیرا که علم، زندگی قلبها و نیروی بدنها برای جلوگیری از ضعف است، و با علم، خداوند اطاعت و عبادت می شود.

همچنین امام باقر علیه السلام فرمود:

«العالم کمن معه شمعه تضیء للناس، فکل من ابصر شمعته دعاه بالخیر، کذلک العالم معه شمعة تزیل ظلمه الجهل و الحیرة»^{۲۴}

(عالم مانند کسی است که شمعی به دست دارد و راه را به مردم می نماید. پس هر که پرتو شمع او را ببیند برایش دعای خیر کند. بدین سان عالم با شمعی که در دست دارد، تاریکیهای جهل و سرگردانی را از میان می برد.)

اساتید و دانشمندان می دانند که، در واقع پشتیبانی مالی و جانی مردم این امکان را فراهم کرد تا آنان بتوانند با آموزش و تربیت مردم و خدمت به آنان باید علاوه بر جبران آن، زمینه ساز تداوم و توسعه علوم و فنون بشوند. به این ترتیب امکان گسترش دانش و اندیشه و زمینه سازی برای ورود استعدادهای ناشناخته و تولید علوم و نوآوری به وجود می آید. زیرا صدها نفر باید وارد فضای آموزشی دانشگاه و حوزه بشوند و دوره های مختلف تحصیلی را طی کنند تا سرانجام از میان آنان ده نفر محقق مخترع. نظریه پرداز و فرهنگ ساز ظهور کند.

رسالت دیگر متفکرین و بزرگان عرصه علم، اجتناب از تجارت علم، سطحی نگری،



رکود و تاجر، عوام زندگی، تقلید و کپی کردن و ارائه الگوی آزادی، وارستگی، عشق به خدمت آموزشی است.

تغییر نگرش‌ها و هنجارهای انحرافی و گرایش دادن به الگوهای منطقی و در نتیجه تغییر رفتارها و معیارها از طریق آموزش، ممارست، الگو گرفتن از پیشگامان علم و معرفت، و تحمل دراز مدت توسط فرهیختگان و اساتید صورت می‌گیرد. در نمودار زیر چگونگی تحول رفتاری و تغییرات اجتماعی و نظریه عمل بخردانه نشان داده شده است.

- عقاید بینش و معیارها

- گرایش نسبت به رفتارها و هنجارهای مرتبط

- قصد رفتاری و ارزشگذاری و تعیین الگوهای جدید (آموزش و پژوهش)

- رفتارها و هنجارهای جدید

- درک شرایط و مقتضیات (تفکر و نظریه‌پردازی)

- تحول اجتماعی، اخلاقی و رفتاری (جنبش نرم‌افزاری)

- عقاید، بینش و معیارهای جدید

به این ترتیب آموزش، تحقیق و نوآوری منشأ تحول در نگرشها، معیارها و رفتارهای فردی و جمعی و تأثیر گذار بر اوضاع اجتماعی - مثبت یا منفی - خواهد شد.

امام علی علیه السلام در این زمینه فرمود: «العقول ائمة الافکار، والافکار ائمة القلوب، والقلوب ائمة الحواس، الحواس ائمة الاعضاء».^{۲۵}

عقلها هدایت کننده افکار و عقاید، افکار هدایت کننده نیتها و قصدها، نیتها و قلوب هدایت کننده ادراک و حواس و حواس هدایت کننده اعضاء و رفتارهای انسان می‌باشند.

دولت و تولید علم

دولت^{۲۶} و حاکمیت غالباً در یک دایره با مردم حرکت می‌کند، و در مجموع فرهنگ عمومی حاکم تا حدود زیادی تعیین کننده سرنوشت مشترک آنان می‌باشد. زیرا دولت معمولاً بر آیند و برآمده از مردم و مردم نیز به نوبه خود در تعامل با دولت زندگی می‌کنند. جملاتی نظیر «الناس علی دین ملوکهم» و یا مردم استحقاق همان حکومتی را دارند که بر آنان حاکمیت دارد، تأیید کننده این آیه از قرآن کریم است که فرموده «ان الله

لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم»^{۲۷}



تحولات طبیعی، جنگها، حوادث و تحولات اجتماعی، ظهور شخصیت‌های استثنایی - و به اصطلاح کاریزماتیک - پیشرفته‌ها و نوآوری‌های علمی، به تدریج، غیر مستقیم و غالباً نامرئی و اصطلاح کاریزماتیک - پیشرفته‌ها و نوآوری‌های علمی، به تدریج، غیرمستقیم و غالباً نامرئی و در مواقعی مستقیم، اوضاع و احوال جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

اما مسئولیت اساسی دولت‌ها هدایت و ادارهٔ جامعه به سمت اهداف تعیین شدهٔ نظام مورد قبول مردم است، لذا می‌بایست با تعیین استراتژی (خطوط مشی اساسی و بلند مدت)، سیاستگذاری، برنامه ریزی، به کارگیری ابزارها و شیوه‌های صحیح و شایسته، از حرکت‌های ناآگاهانه، خود به خودی، بی هدف و بی ثمر جلوگیری نماید. از اینرو مسئولیت دولت‌ها با افزایش جمعیت، پیچیده‌تر شدن وضعیت جوامع، بالا رفتن انتظارات، ضرورت برقراری حاکمیت قانون و برقراری نظم و امنیت، دائماً رو به افزایش و حساسیت بیشتر است. دولت‌ها موظف می‌باشند در کلیهٔ امور زندگی انسانها مستقیم و غیرمستقیم نظارت، کنترل و در مواقعی علاوه بر موارد اجتناب‌ناپذیر مانند سیاست خارجی، امنیت و... دخالت مستقیم و اعمال حاکمیت بکنند.

اگر در گذشته مقولاتی نظیر آموزش، تحقیقات و توسعهٔ علوم و تکنولوژی، فرهنگ عمومی، بهداشت عمومی و... از مسئولیت‌های اساسی و مستقیم دولت‌ها نبود، امروز به صورت یکی از جدی‌ترین و اساسی‌ترین دغدغه‌های دولت‌های بزرگ - حتی در جهان سوم - شده و باید پاسخگوی مردم خود در این زمینه‌ها باشند.

امروز با عناوینی نظیر خصوصی سازی، واگذاری کارها به مردم، کوچک کردن حجم و سازمان دستگاه‌های دولتی، اینگونه مسئولیت‌ها همچنان بر عهدهٔ دولت‌ها می‌باشد. هر چند که افراد و گروه‌هایی از مردم بر اساس احساس مسئولیت و ایمان و اعتقاد خود تلاشهایی داشته باشند. زیرا تنوع فعالیت‌های علمی، فناوری، پژوهشی و فرهنگی، ضرورت سرمایه گذاری‌های کلان را می‌طلبد که، تأمین تمامی آنها در توان افراد و گروه‌های غیردولتی نیست. نکتهٔ مهم و قابل توجه اینست که سرمایه گذاری و هزینه کردن در این زمینه‌ها سودآوری و منافع زیادی دارد و در واقع بازگشت سرمایه و هزینه به جامعه تضمین شده و قطعی است. به این دلیل بعضی دولت‌ها اینگونه اعتبارات و هزینه‌ها را در بخش سرمایه گذاری‌های زیربنایی، نه هزینه‌های جاری به



حساب می آورند. زیرا استقلال، امنیت و اقتدار ملی با پیشرفتهای علمی، فنی و نوآوری در این زمینه‌ها گره خورده است.

در سه برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی - اجتماعی علیرغم حساسیت و اهمیت موضوع بودجه ناچیزی به این بخش اختصاص داده شد. اظهارات مسئولین دستگاه‌های ذیربط مبنی بر محدود شدن و در مواردی تعطیل شدن بخش‌هایی از فعالیت‌های پژوهشی، مسأله‌ای است که بارها به صفحات مطبوعات هم کشیده شده است.

امنیت و ثبات

مهمترین مسئولیت دولتها که از آنها گریزی ندارند برقراری امنیت و ثبات و همچنین سیاستگذاری و برنامه‌ریزی می‌باشد، که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

موجودیت و موقعیت و به عبارت دیگر بودن و چگونه بودن یک ملت و کشور در ارتباط مستقیم با امنیت ملی و سیاست‌های حاکم می‌باشد. لذا ملاک و معیار ارزیابی صلاحیت و توانایی دولتها در تأمین دو مقوله تعیین کننده و اساسی مزبور می‌باشد. از اینرو دولتها به هیچوجه حق ندارد در این گونه امور کوچکترین تساهل و یا وادادگی داشته باشند. زیرا در صورت چنین وضعیتی به سرعت از داخل و خارج مورد تهدید و در معرض سقوط قرار می‌گیرند.

بخشهای آموزشی، علمی و تحقیقاتی بیش از سایر بخش‌ها نیازمند امنیت عمومی و ثبات اجتماعی می‌باشند. زیرا لازمه اینگونه فعالیت‌ها آرامش، امید و اطمینان نسبت به ثمردهی تلاش‌های آنها در آینده می‌باشد. لذا دولتها برای تأمین امنیت معمولاً سازش و انعطافی از خود نشان نمی‌دهند، و به اصطلاح با این مسأله شوخی نمی‌کنند. عوامل مؤثر و غیرقابل انکار در برقراری امنیت عمومی و ثبات زمینه ساز توسعه و گسترش علوم، فنون، هنرها و پژوهش‌های بنیادی و کاربردی عبارتند از:

۱- حاکمیت قانون

وجود نظم و انضباط زیر بنای امنیت همه جانبه و لازمه آن اعمال قانون و ظهور حاکمیت قانون در کشور است. در یک محیط ناآرام و متشنج امکان علم آموزی، تحقیق



و بهره‌گیری از امکانات برای گسترش علم ضعیف و یا غیرممکن است. در چنین شرایطی فرصت طلبان و دشمنان و مخالفان جامعه و مردم امکان سوءاستفاده و بهره‌گیری دارند.

۲- شایسته‌سالاری

هر گونه تحول مثبت و سازنده، هر پیشرفت ارزشی و به نفع جامعه، نیازمند مدیرانی متعهد متخصص با هوش و قوی است. افرادی که قدر و ارزش علم، عالم، تعلیم، تعلم و تحقیق را بدانند و خود را مستقیم یا غیرمستقیم در خدمت آنها بدانند. چنین وضعیتی زمینه ساز رشد و بالندگی، علاقمندی و پویایی علمی و فرهنگی خواهد بود. در غیر اینصورت موجب دلسردی، بی تفاوتی و کم ارزش شدن کالای علم و تحقیق می‌شود!!

۳- تعادل و توازن

تمامی جنبه‌ها، ابعاد و بخش‌های کشور زمانی کارآیی و توفیق دارند که در یک تعادل و توان منطقی باشند. اگر زمانی بخش اقتصاد و زمانی فرهنگ یا سیاست محور کلیه تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها قرار گیرد، قطعاً تمام بخش‌های کشور دچار آشفتگی، عدم تعادل و شکست سیاستها خواهد شد. همچنانکه در دو دهه گذشته شاهد چنین وضعیتی در کشور بوده‌ایم و آثار سوء آن به اثبات رسیده است.

۴- هماهنگی دستگاه‌های حاکمیت

جمع‌گرایی و جامعه‌پذیری ایجاب می‌کند که برای پیشبرد امور، مشارکت، همکاری و مشورت، ارزشهای مقبول و رایج باشند. پی‌آمد فرهنگ جمعی، هماهنگی و جلوگیری از پراکندگی و مانع هدر رفتن نیروها و امکانات جامعه است. از اینرو برای تحقق انقلاب علمی و جنبش نرم‌افزاری حذف فردگرایی و خودمحوری در تمام سطوح مدیریت کشور اجتناب‌ناپذیر است.

سیاستها و برنامه‌ها

پس از برقراری امنیت و ثبات سیاسی - اجتماعی نوبت به تدوین سیاستها و اجرای



برنامه‌های مبتنی بر آنها می‌رسد. اگر چه تفکیک امنیت از سیاستگذاری مقدور نیست ولی اولویت برقراری امنیت به خاطر تثبیت موجودیت و استقرار نظام و پایداری جامعه است و طبعاً بخشی از سیاستها نیز مرتبط با تقویت و تحکیم امنیت و پایداری می‌باشد. سیاستگذاری و برنامه ریزی دولت در توسعه علمی، فرهنگی و آموزشی و خلاصه بخش نرم‌افزاری حاکمیت ایجاب می‌کند که، اولاً با دقت و تأمل و با محاسبه تمامی جوانب و عوامل تأثیر گذار و تأثیرپذیر باشد. ثانیاً مسائل روزمره و جزئی، تداوم و استمرار آنها را تهدید و از نظارت و پی‌گیری خارج ننماید.

«... همه کشورهای که توسعه پیدا کرده‌اند علم و نظم و نهاد را پذیرفته‌اند. دولت هر چند ثمره فرهنگ است، اما مسئولیتی دارد و آن خوب اداره کردن جامعه است. منظور این است که دولت همیشه باید جلوتر از جامعه حرکت کند. باید قوانین توسعه و مملکت داری در جامعه پیاده کند، و باید به آینده و افق پیچیده‌تر و عمیق‌تر بیندیشد. مسأله در بسیاری موارد جنبه سلیقه‌ای (حزبی و شخصی) ندارد.

در حوزه مسائل علمی امکان انتخاب چندان نیست، کشوری که بخواهد صنعتی شود، باید علم را بپذیرد، کشوری که می‌خواهد کشاورزی خود را مکانیزه (و خودکفا) کند، و مشکل بوروکراسی خود را حل نماید، برای عامه مردم امکانات عمومی ایجاد کند، باید علم را در صحنه تصمیم‌گیری‌ها وارد سازد و در چارچوب تصمیم‌گیری‌های خود برای شناخت جایی در نظر بگیرد.

... برای پیاده کردن آنها قواعد تئوریک و چارچوب علمی ارائه کند و رو به آینده داشته باشد».^{۲۸}

مدیریت، برنامه ریزی، تصمیم‌سازی و پی‌گیری، لازمه پیشرفت و به نتیجه رسیدن جریان علم‌گرایی، نظریه‌پردازی و تحقیقات است. از علائم عدم‌گرایی به پژوهش، تصمیم‌گیری‌هایی است که مسئولان و مدیران بدون مطالعه علمی واقع‌بینانه و همه‌جانبه انجام می‌دهند.

اگر زندگی مردم، عملکرد دستگاه‌های عمومی و حتی تصمیم‌گیری‌های نخبگان مورد بررسی قرار بگیرد، مشخص می‌شود که تحقیق و سنجیده بودن، شیوه متداول بسیاری از آنان نیست.

«از مشخصات و ویژگی‌های توسعه فرهنگ پژوهش در هر جامعه‌ای، میزان



بودجه‌ای است که در آن کشور صرف کارهای تحقیقاتی می‌شود. رقم بودجه تحقیقاتی در سالهای اخیر به خوبی نشان می‌دهد که امر پژوهش در نگاه مسئولان کشور نیز از اهمیت بالایی برخوردار نیست و در هر کجا که مشکل اقتصادی پیش آمده، اولین بخشی که بودجه آن کاهش یا قطع شده است، بخش فرهنگی و پژوهشی کشور بوده است.

بودجه تحقیقاتی کشور ما حتی با کشورهایمانند هند و آرژانتین قابل قیاس نیست، و در شرایطی که کشورهایمانند کره ۲ درصد تولید ناخالص خود را صرف پژوهش می‌کنند، بودجه تحقیقاتی ایران در سال گذشته حدود ۰/۴ درصد تولید ناخالص ملی کشور بوده است. معاون پژوهشی وزارت علوم افزوده طبق برنامه سوم در سال ۸۱ باید ۰/۷۵ درصد تولید ناخالص ملی به تحقیقات اختصاص می‌یافت، در صورتی که این رقم در سال ۸۱ عملاً به کمتر از ۰/۴ درصد رسید... اگر مانگران آینده کشور هستیم چاره‌ای جز حساسیت و توجه به پژوهش نداریم... مسئولان اجرایی (به دلیل فردگرایی و خودمحوری) از نتایج تحقیقات هیچ استفاده‌ای نمی‌کنند»^{۲۹}

بهر حال به دلیل هزینه‌های بالای پژوهش و دیر بازده بودن و اتلاف اجباری مقدار زیادی وقت و امکانات و حتی بی‌نتیجه بودن بخشی از تلاش‌های تحقیقاتی، دولت‌ها مستقیم و غیرمستقیم در این زمینه مجبور به دخالت و تقویت و توسعه آن می‌باشند. به علاوه برای تأمین زندگی مناسب محققین، باید سیاستها و تصمیمات شایسته اتخاذ می‌نمایند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

جمع‌بندی و راهکارهای اجرایی

آنچه به اختصار می‌توان گفت این است که در زمینه فرهنگ علمی، رواج تفکر و تدبیر، علم‌گرایی و نظریه‌پردازی، در مراحل اولیه آن قرار داریم و جنبش نرم‌افزاری و انقلاب علمی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که ملت و دولت باید در این حرکت و جهاد عظیم شرکت و با تلاش و پشتکار، صبر و مقاومت، آن را به سوی اهداف تعیین شده هدایت کنند.

راهکارها و نقش آفرینی‌های مردمی، غیردولتی، نخبگان و متعهدان عبارتست از:
۱. اختصاص بخشی از امکانات و سرمایه مادی و همکاری با مراکز تحقیقاتی و

تقویت آنها



۲. تأسیس مؤسسات پژوهشی و کمک به محققان و تشویق آنان
۳. ترویج فرهنگ علمی، درون‌زا کردن و بومی کردن تحقیقات و اجتناب از تقلیدی و ترجمه‌ای بودن علوم.
۴. برقراری ارتباط، تبادل نظر و انسجام دانشوران و اندیشمندان در حوزه‌های مختلف علوم و تشکیل انجمن‌های علمی در رشته‌های گوناگون.
- سیاستهای راهبردی دولت و راهکارهای اجرایی به اختصاص چنین است:

 - ۱- برنامه ریزی و اجرا در جهت گسترش فرهنگ علمی و ارتقاء جایگاه علم و عالم، تعلیم، تعلم، تحقیق و نوآوری (اعم از اختراع، نظریه‌پردازی و کشف)
 - ۲- ارتباط، هماهنگی و همکاری دانشگاه، صنعت و دولت.
 - ۳- ارتقاء علمی و کیفی کردن تعدادی از مراکز آموزش عالی و تحقیقات فن‌آوری و پژوهش در علوم انسانی و اجتناب از کمیت کردن در مراکز مزبور.
 - ۴- بررسی و ادغام نظام آموزشی حوزه و دانشگاه و حذف دوگانگی در علوم انسانی و هماهنگ کردن با اهداف و ویژگی‌های نظام
 - ۵- تقویت وضعیت مالی، افزایش امکانات و تدوین مقررات و آیین نامه‌ها و حذف بوروکراسی حاکم در مراکز پژوهشی و حل مشکلات اداری آنها
 - ۶- همکاری علمی در نوآوری و تولید دانش‌های جدید با اندیشمندان جهان اسلام
 - ۷- به‌کارگیری و فعال کردن رسانه‌ها به ویژه مطبوعات برای طرح موضوع جنبش نرم‌افزاری و اهداف آن و فرهنگ سازی در این زمینه.
 - ۸- تشکیل کمیته ویژه در شورای عالی انقلاب فرهنگی و پی‌گیری مسائل و امور مرتبط با موضوع و اتخاذ تصمیمات شایسته در مراکز سیاستگذاری و تصمیم‌گیری به ویژه ارتباط و همکاری دولت، دانشگاه و صنعت.
 - ۹- سرمایه‌گذاری و هزینه کردن در زمینه گسترش و ارتقاء دانش و صنعت رایانه و ارتباطات و آموزش عمومی آن.

امید است با تداوم اینگونه تلاشها و طرح اینگونه موضوعات و همکاری مجموعه عوامل و دستگاه‌های ذیربط، در سال‌های آینده شاهد تحولاتی امید آفرین و احیای عمیق مبانی علمی - توحیدی اسلام باشیم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره زمر، آیه ۹. استفهامی بودن آیه هم تأکید اهمیت موضوع و هم ضرورت به کارگیری تفکر برای درک آن را می‌رساند.
۲. «وصیت‌نامهٔ سیاسی - الهی امام خمینی (ره)»، انتشارات وزارت ارشاد، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۲۷.
۳. منظور از علم در این نوشتار دانایی (Knowledge) می‌باشد.
۴. در دههٔ گذشته ۱٪ درآمد ناخالص ملی حداکثر میزانی بود که دولت‌های پیشرفته صنعتی به این امر اختصاص می‌دادند ولی اکنون ۲٪ درآمد ناخالص ملی هدف قرار گرفته و بعضی از کشورها از جمله ژاپن به آن نزدیک شده‌اند.
۵. تافلر، الوین: «جابه‌جایی در قدرت»، ترجمهٔ شهیندخت خوارزمی، از انتشارات خوارزمی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶ و ۲۴۸.
۶. به قول سعدی علیه‌الرحمه: «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری»
۷. سورهٔ نحل، آیهٔ ۱۴.
۸. یارنت، ریچارد: «سیطرهٔ جهانی»، ترجمهٔ مصطفی قریب، از انتشارات هاشمی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲۲۱.
۹. نهج‌البلاغه، ترجمهٔ «فیض‌الاسلام»، کلام ۹۱، ص ۱۱۲۸.
۱۰. سورهٔ طه، آیهٔ ۱۱۴، پروردگار! علم مرا بیفز!
۱۱. ر. ک. به «نقش تفکر در توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی»، نوشتهٔ «دکتر حسین پیرنیا»، از انتشارات دانشکدهٔ حقوق دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۱۲. سورهٔ یونس، آیهٔ ۱۰۰.
۱۳. سورهٔ آل عمران، آیهٔ ۱۹۱.
۱۴. گزیدهٔ کافی، ج ۱، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ ۱۳۶۱، ص ۳۲، حدیث ۸.
۱۵. دکتر سریع‌القول، محمود: «عقلانیت و آیندهٔ توسعه‌یافتگی ایران»، ناشر: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه، سال ۱۳۸۰، چاپ اول، ص ۱۴۲.
۱۶. استراتژی آمریکا در قرن بیست و یکم، تسلط بی‌چون و چرا بر جهان و شکل دادن به نظام تک ابرقدرتی و حذف تمامی ساختارهای بین‌المللی، از طریق «دموکراتیزه کردن حکومت‌ها و پیاده کردن فرهنگ و ارزش‌های آمریکایی» می‌باشد.
۱۷. الحیاء، ج ۱، ص ۴.
۱۸. ترجمهٔ گزیدهٔ کافی، ص ۳۵، حدیث ۱۱.
۱۹. «وصیت‌نامهٔ امام خمینی (ره)»، ص ۲۲.
۲۰. پاسخ مقام معظم رهبری به نامهٔ پژوهشگران حوزهٔ علمی قم.
۲۱. برای مطالعه و تحقیق به کتاب «انسان‌شناسی» نوشتهٔ «آیت الله حائری شیرازی» مراجعه شود.
۲۲. وصیت‌نامهٔ امام (ره)، ص ۲۵.
۲۳. حکیمی، محمدرضا: «الحیاء»، ج ۱، چاپ دوم، سال ۱۳۵۸، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ص ۴۰.
۲۴. بحار الانوار، جلد دوم، شمارهٔ ۴.
۲۵. الحیاء، ج ۱، ص ۴۴.
۲۶. منظور از دولت مجموعهٔ دستگاه‌های حاکمیت یک نظام نه فقط قوهٔ مجریه می‌باشد.





۲۷. قطعاً خداوند تمامی آنچه را که در یک قوم و ملت است دگرگون نمی‌کند، مگر آنکه آن ملت تمامی آنچه را که در خود دارند (فرهنگ عقاید، روابط و معیارها) تغییر دهند. سوره رعد: آیه ۱۱
۲۸. عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران، ص ۱۲۷.
۲۹. روزنامه کیهان، شماره ۱۷۸۳۴، ۲۳ آذر ۸۲، ص ۵.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- امام خمینی (ره)، روح الله: «وصیت‌نامه سیاسی - الهی»، از انتشارات وزارت ارشاد اسلامی چاپ اول، ۱۳۶۸، تهران.
- ۴- الحیاء، محمد رضا حکیمی، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۵۸.
- ۵- «جا به جایی در قدرت» الوین نافلر، ترجمه شهیندخت خوارزمی، از انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۶- «سیطره جهانی» ریچارد بارنت، ترجمه مصطفی قریب، از انتشارات هاشمی، تهران، ۱۳۶۳.
- ۷- «نقش تفکر در توسعه اقتصادی و اجتماعی، نوشته دکتر حسین پیرنیا، از انتشارات دانشکده حقوق، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- ۸- «ترجمه گزیده کافی»، از انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۱.
- ۹- «عقلانیت و آینده توسعه یافتگی ایران»، دکتر محمد سریع القلم، ناشر: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات خاورمیانه، چاپ اول تهران، ۱۳۸۰.